



آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست مطالب:

- په توقیف کې د انساني شرايطو د لرلو حق اوله څوړونې څخه خلاصون
- مصاحبه با تورن جنرال شاه مير امير پور
- حقوق زنان زنداني
- معرفي وزارت عدليه و رياست عمومي حقوق
- جرم چیست و مجرم کیست؟
- حقوق مطنون و مهم در استاد ملی و بین المللی

سال اول

شماره اول

حمل ۱۳۸۶

March ۲۰۰۷

مصاحبه با تورن جنرال شاه مير امير پور قوماندان عمومی محبس مرکزی

کژاښکر: فضل الدين وېليزاد

نبود تعلیم و تربیه سالم از عوامل اساسی نشأت جرایم اخلاقی است



به صورت کل فقر، بیکاری، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، جهل و بی سوادی، عدم آگاهی از قانون، سوء استفاده از قدرت، و اثرات منفی دوران جنگ به نظر من علتهای عمده بسیاری از جرایم اند که در جامعه به وقوع می پیوندد.

درباره محبوسین مرد و زن مطومسات اراسته نمایند و همچنان توضیح دهید که عوامل اساسی ارتکاب جرم در عین مجرمین چیست؟

جواب: من تورن جنرال شاه میر امیر پور قوماندان عمومی محبس مرکزی هستم تعداد محبوسین و متهمین که در محبس مرکزی وجود دارند تا همین اکنون ۲۷۵۵ نفر ذکور و ۸۷ نفر انات می باشند.

جرایم متهمین و محبوسین داخل محبس مرکزی عمدتاً قتل، مواد

با وجود اینکه پنج سال از استقرار صلح در افغانستان می گذرد و مردم امیدوار بودند که امنیت به صورت کامل تأمین گردیده و آمار جرم و جنایت در سطح نازلتری قرار گیرد ولی متأسفانه هنوز هم تعداد بیشماری از شهروندان را پشت میله های زندان مشاهده می کنیم. برای بررسی و ریشه یابی علل جرم و جنایت مصاحبه ای با تورن جنرال شاه میر امیر پور انجام داده ایم که از نظر شما خوانندگان عزیز می گذرانیم.

سوال: ضمن معرفی خویش به گونه فشرده

مخدر، جرایم اخلاقی، اختطافه جرایم عیبه امنیت داخلی و خارجی، اختلاس، جعل، تزویر و غیره می باشد. این که علل اساسی ارتکاب جرم محبوسین که در زندان به سر می برند چیست؟ باید بگویم که این موضوع بیشتر مربوط به محققین و کارشناسان عرصه جرم شناسی می شود. ادامه در صفحه ۴

په توقیف کې د انساني شرايطو د لرلو حق اوله څوړونې څخه خلاصون

اخيسته له : د عادلانه محاکماتو لارښود
ټول هغه کسان چې له ازادۍ څخه بې برخې شوي دي، حق لري چې ورسره انساني چلند وشي او د هغوی د څخه حق په ډېرو نړيوالو معيارونو کې ساتل شوي دي، په داسې حال کې چې عمومي معيارونه د بشر د حقونو په تړونونو کې شامل دي، په غير معاهدې معيارونو کې ډېرې داسې مشخصې غوښتې ځاي پر ځای شوي دي، البته د اصولو د مجموعې، د نړۍ ترله معيارې قواعدو، د روغپېلې اخلاقو د اصولو او د اروپا د زندان د قواعدو په گډون.



هر څوک د ازادۍ او ځاني اميت حق لري دا په دې معني په هغه کې بشري کرامت ته د درناوي او د انساني چلند څخه برخمن کېدل، د څوړونې او ناوره چلند څخه د خلاصون د حق او تر هغه چې په عادلانه محاکمه کې بې تور بې له شک او شېبه ثابت شوی نه وي دېگانه د فرضي د حق په گډون دي.
ټول هغه کسان چې له ازادۍ څخه بې برخه شوي دي بايد چې " دانسانې او بشري کرامت ته د درناوي" له چلند سره مخامخ شي د (سياسي او مدني حقونو د نړيوال تړون ۱۰ ماده، د امريکا کنوانسيون ۵ ماده، د امريکا اعلاصبي ۲۵ ماده او د افريقا چارتر ۲ او ۵ مادې)،
اړونه معيارونه:

۴- له څوړونې اوناورې چلند څخه خلاصون.

- الف: د اوږدې مودې کولنه قلعي توقیف
- ب: له زور او جبر څخه گټه اخيسته
- ج: د ځيرنو پرمهال ټريکي فشار.
- د: له محدوديتونو څخه گټه اخيسته
- ه: بدلي نلاشي.
- و: علمي او طبي تجربي:
- ز: انتصابي سرڅوړونې:

د څوړونې اوناورې چلند په وړاندې د توان دلاسه ته راوړلو حق:

- ۱- په توقیف کې دانساني شرايطو درلودل:

د عادلانه محاکمې حق هغه وخت گټورډيري چې د توقیف شرايط، د دفاعي په ترتيب کې دستورون توان او ځواکمنی اخلاص کړي، نورن وڅوړول شي اوسا ناوره چلند ورسره وشي.

- ۱- په توقیف کې دانساني شرايطو لرل:
- الف: په يوه څرگند توقیف ځای کې د توقیف دغوښتې حق.
- ب: د توقیف سندونه:
- ج: ټاکو ته د پوره لاس رسې د لرلو حق.
- ۲- له محاکمې دمخه په توقیف کې دکساتو له پاره اضافي څوړونې پونه.
- ۳- بڼې په توقیف کې.

پاښانه ملي پيژون

نشریه آگاهی حقوقی وزارت عدلیه به کاروان مطبوعات پیوست

طوری که خوانندگان محترم آگاهی دارند، اکثریت هموطنان ما از نعمت سواد محروم می باشند و عده ای دیگر از هموطنان ما که از سواد خواندن و نوشتن بهره مند اند، متأسفانه از آگاهی حقوقی طوری که لازم است بی بهره اند. ضعف آگاهی حقوقی باعث می گردد که عدالت به وجه بهتر آن در جامعه تأمین نگردد و در نتیجه تعداد زیادی از مردم از برقراری عدالت در جامعه محروم می گردند.

با در نظر داشت این نکته هیأت رهبری

وزارت عدلیه مصمم شد که بخش های جدیدی از قبیل بورد آموزگاران حقوق مدنی و تربیت تبلیغات و نشرات، در چوکات ریاست عمومی حقوق مرکز و بخش مبلغین آگاهی عامه را در چوکات ریاست حقوق ولایت کابل ایجاد نماید؛ تا بتواند از طریق این نهاد ها به هدف اساسی و عمده خویش یعنی رسانیدن آگاهی های حقوقی برای مردم، نایل گردد.

به فضل خداوند تعال و به راهنمایی و هدایت خردمندانه جلالتماب محترم سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان ریاست عمومی حقوق مرکز علی الرغم عده امکانات لازم و پرسونل کافی در تاریخ بیش از ۸۶ ساله خویش برای اولین بار موفق شد نخستین شماره آگاهی حقوقی را به دست نشر بسیار، از اهداف عمده آن تممیم و تحکیم قانونیت و تأمین عدالت به منظور حفظ منافع قانونی و مساعدتهای حقوقی و آگاهی های عامه حقوقی برای احاد مردم می باشد.

یقیناً این نشریه دارای یک سلسله نواقص و کمبودهای می باشد، امیدواریم که خوانندگان محترم با فرستادن نامه های انتقادی و اصلاحی خویش در غامدگی شماره های بعدی این نشریه بیفزایند و در جهت برآورده شدن اهداف بزرگ و انسانی وزارت عدلیه در راستای رسانیدن آگاهی های حقوقی برای استقرار عدالت و حاکمیت قانون، همکاری نمایند.

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد. (ماده ۲۲ قانون اساسی)

معرفی وزارت عدلیه و ریاست عمومی حقوق

وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان یکی از وزارتخانه های عمده در چوکات حکومت بوده و مطابق تشکیل سال ۱۳۸۵ دارای دو معینیت مسلکی و اداری و ده ریاست می باشد. از جمله این ریاست ها، دو ریاست یعنی ریاست عمومی حقوق و ریاست عمومی محاسبات و توقیفخانه ها دارای واحدهای دومی و سومی در سطح ولایات و ولسوالی ها می باشند. دو ریاست دیگر آن یعنی ریاست عمومی قضایای دولت و ریاست عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال تنها دارای واحدهای دومی در سطح ولایات می باشد و متبانی شش ریاست دیگر تنها در مرکز فعالیت می نمایند که عبارت از ریاست عمومی قانونگذاری با دانش هفت دیپارتمنت، ریاست عمومی اداری، ریاست نشرات، ریاست تفتیش، ریاست انسجام (بررسی و ثبت سازمانهای اجتماعی و احزاب سیاسی) و ریاست دفتر مقام وزارت می باشد.

ریاست عمومی حقوق:

یکی از ریاست های عمده وزارت عدلیه ریاست عمومی حقوق است و ریاست های حقوق در سطح ۳۴ ولایت و مدیریت های عمومی حقوق در سطح تمام ولسوالیها و امریت های حقوق در سطح نواحی شهر کابل مطابق حکم ماده ۲۲ قانون اساسی و احکام مندرج قانون طرز تحصیل حقوق و سایر قوانین نافذ کشور فعالیت نموده و در مورد عرایض وارده مربوط به حقوق مدنی و تجارتی اشخاص حقیقی و حکمی اجرائات لازم بعمل می آورند.

ریاست عمومی حقوق مطابق تشکیل سال ۱۳۸۴ خویش با داشتن دو معاونیت، مدیریت عمومی اداری و کمیته های املاکی، دیون و فامیلی فعالیت می کرد. ولی در سال ۱۳۸۵ تعدیلاتی در زمینه به وجود آمد. مطابق تشکیل جدید سال ۱۳۸۵ بست یکی از معاونین حذف و بورد کارشناسان حقوق مدنی متشکل از ۶ نفر در سه کمیته جداگانه برپه کمیته املاکی، کمیته دیون و تجارتی و کمیته فامیلی فعالیت می نماید. بنابر حسابات منازعات خانوادگی

در کمیته فامیلی دو نفر خواهان ما که دارای تحصیلات عالی حقوقی می باشند مقرر گردیده اند.

با در نظر داشت اینکه اکثریت مردم افغانستان از نعمت سواد، خاصاً سواد حقوقی محروم می باشد و این مسئله باعث حق تلفی ها و قانون شکنی ها در جامعه می گردید؛ شورای رهبری وزارت عدلیه تصمیم گرفت که در تشکیل سال ۱۳۸۵ ریاست عمومی حقوق مرکز بخشهای جدیدی به نام بورد آموزگاران ارشد تعلیمات حقوق مدنی و تبلیغات و نشرات گنجانیده شود. همین اکنون با تقرر ۶ نفر اشخاص واجد شرایط از طریق رقابت آزاد در بورد آموزگاران ارشد حقوق مدنی و یک نفر در بخش تبلیغات و نشرات بوردهای مذکوره عملاً فعال بوده و وظایف محوله خود را مطابق لایحه وظایف و پلان کاری مرتبه به پیش می برد. به همین ترتیب، بخش مبلغین آگاهی عامه در چوکات ریاست حقوق ولایت کابل ایجاد گردیده و مبلغین واجد شرایط در بستهای مذکوره تقرر حاصل نمودند.

کارمندان بوردهای مذکوره سمینار آموزش حقوقی را که برای ۵ هفته دایر شده بود موفقانه به پایان رسانیده اند و تاکنون ایشان توانسته اند که سمینار آموزش حقوقی را به صورت مستقلانه در ریاست مرکز اصلاح و تربیت اطفال ولایت کابل برای مجوزین ذابیر کنند و تجارب خوبی را به دست آورده اند. در آینده می توانند همچو سمینارهای آموزش حقوقی را در نقاط دیگر شهر کابل به پیش ببرند. همان گونه که قبلاً اشاره شد، هدف از ایجاد بوردهای مذکوره عبارت از تئور اذهان عامه مردم و ارتقای سطح دانش آنان در موضوعات حقوق مدنی، تجارتی، میناقبهای بین المللی، ارگانهای مختلفه دولت، فرامین قضایی و سایر قوانین نافذ کشور می باشد که وظایف بوردهای مذکوره قرار ذیل است:

وظایف بورد آموزگاران ارشد تعلیمات حقوق مدنی:

- ۱- تهیه بر نامه های کاری آموزش آموزگاران تعلیمات مدنی ساحوی

- ۲- آموزش دادن آموزگاران ساحات، طبق برنامه تهیه شده مرکز.
- ۳- بررسی و راهنمایی کاری کار آموزگاران تعلیمات مدنی ساحوی و تهیه گزارش.
- ۴- تهیه برنامه کاری در ساحات و تأمین ارتباط با متنفذین محل، مقامات محلی و دیگر مراجع، جهت پیشبرد امور کاری آموزگاران تعلیمات مدنی ساحوی.

وظایف بورد تبلیغات و نشرات:

- ۱- تهیه برنامه های کاری برای نشریه های تبلیغاتی حقوقی.
- ۲- تهیه برنامه های کاری، ارتباطات با رسانه ها (رادیو و تلوویزیون) و مطبوعات دولتی و غیردولتی.
- ۳- تهیه نشریه های ورقی و پوسترهای تبلیغاتی.
- ۴- همکاری با برنامه های رادیویی و تلوویزیونی و در صورت امکان تهیه مستقلانه این نوع برنامه ها از طریق همه اعضای تیم کاری.

وظایف مبلغین آگاهی عامه:

- ۱- آگاه نمودن عامه مردم، منسوبین ادارات دولتی، موسسات خصوصی، موسسات تعلیمی و کارآموزی از طریق تدویر گردمایی ها در مورد موضوعات حقوقی.
- ۲- حصول موافقه و جلب همکاری مسؤولین ادارات دولتی و خصوصی، متنفذین محل و وکلای گذر به منظور مساعد ساختن زمینه برای کر مبلغ حقوقی.
- ۳- تبلیغات حقوقی از طریق رسانه های همگانی.
- ۴- تبلیغات حقوقی و آگاه نمودن مردم از حقوق، وحایب و طرز استفاده از حقوقی که در قانون مدنی برای آنها پیش بینی گردیده به شکل تصویری و پوستر.

تأیین عدالت و حکمیت قانون از جمله اهداف وزارت عدلیه می باشد



تأیین از توقیفخانه ولایت کابل

حقوق مظنون و متهم در اسناد ملی و بین المللی

عظیمی *

بالای شان صورت گرفته آگاهی حاصل نمایند و همچنان در جریان استنتاج و مقابله به آنها کمک نماید.

۴- سکوت سکوت حق مظنون و متهم است که باید در هنگام گرفتاری، مأمور ذیصلاح عدلی و قضایی معلومات راجع به داشتن حق سکوت، حق حضور، در هنگام تفتیش، مقررات شناسایی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره و محاکم برای مظنون و متهم ارائه نمایند. مظنون یا متهم در برابر سوالات مستنطق می تواند سکوت نماید. مأمور مؤظف از گلهایی ذیربط نمی تواند در گرفتن جواب از مظنون یا متهم وی را تحت شکنجه روحی و جسمی قرار دهد. چنانچه کوانسیون منع شکنجه در این مورد به صراحت بیان نموده است که: "هیچ گونه فشار فزینگی و ذهنی بالای مظنون، شاهدان و قربانیان به خاطر به دست آوردن معلومات آورده شده نمی تواند. همچنان ماده ۵ قانون موقت اجرائات جزایی محاکم افغانستان در این باره چنین می نویسد: "مظنون و متهم حق دارند سکوت اختیار نموده از اظهار هرگونه بیان امتناع ورزند، گرچه توسط پولیس یا مقامات قضایی تحت باز پرس فرار گیرند."

در صورتی که متهم نخواهد از حق سکوت خود استفاده کند، می تواند توضیحات لازم را ارائه نماید. متهم و وکیل مدافع می توانند شهود و اهل خبره را مورد سوال قرار دهند.

انجام استنتاج را بپور اجرائات خود را به خاربول ابتدا نیمه مربوط ارسال و مظنون را به وی تسلیم می نمایند. مطابق ماده ۲۴ قانون جزایی موقت خارنوال ابتدا نیمه در مدت ۴۸ ساعت بعد از تسلیم شدن شخص مظنون به استنطاق می پردازد. خاربول مزبور می تواند در صورتی که نامه توقیف شخص مظنون را ضرورت نداند به رهایی آن امر دهد.

هیچ کس نباید مجبور ساخته شود تا علیه خودش شهادت بدهد. مأمور مؤظف باید اصل قانونی ذیل را رعایت نموده و متهم به قانون اجرائات جزایی موقت به شرح زیر باشد: اظهارات مظنون و متهم در فضای گملا آزاد اخذ می گردد، مظنون یا متهم تحت هیچ گونه فشار روحی و جسمی قرار گرفته نمی تواند. شایسته است که مسؤولین امور عدلی و قضایی با تمام اشخاصی که از آزادی خود محروم می شوند، به شیوه انسانی رفتار نمایند و به کرامت ذاتی آنها احترام قابل شوند. هر شخص که به یک تخلف جزایی متهم می شود تا زمانی که در یک محاکمه عادلانه (بی گناه) شناخته می شود از این لحاظ تصامیم مبنی بر تحریم ها و محدودیت های شخص گرفتار شده می باید منحصر به ضرورت جمع آوری مدارک و دریافت حقیقت باشد.

۲- وکیل مدافع: یکی از حقوق مظنونین و متهمین داشتن وکیل مدافع است. در صورتی که مظنون یا متهم از نظر مالی توان گرفتن وکیل

یکی از مسؤولیتهای ارگلهایی عدلی و قضایی، آگاه ساختن مظنون یا متهم از حق سکوت، انکار، داشتن وکیل مدافع و ترجمان است. پولیس، خارنوال و محکمه مکلف است بعد از گرفتاری و قبل از استنطاق، مظنون یا متهم را از حقوقی که قانون برای وی در نظر گرفته است مطلع نماید.

سواردی را که مظنون یا متهم توجه نماید قرار ذیل است:

۱- برانیت یا بی گناهی: از بسدو گرفتاری، تمامی اظهارات مظنون، متهم، متصرف و شهود دارای امضا می باشد و اگر شخصی توانایی امضا را نداشته باشد می تواند شصت بگذارد. آجینا اگر یکی از افراد امضا نکرد و یا امکانات امضا میسر نبود و یا افراد متذکوره از امضا و شصت نمودن امتناع کردند، مأمور مؤظف مکلف است که جریان موضوع را یاد داشت نماید. تمامی اجرائات که توسط مأمور مؤظف ثبت و یادداشت گردیده است اسناد رسمی شمرده می شود. در صورتی که مأمور مؤظف اگر تمامی اجرائات فوق را یاد داشت و ثبت ننماید چنین پنداشته می شود که در صورت هیچ گونه اقدامات قانونی صورت نگرفته و مأمور مؤظف مسؤل شناخته می شود. ناگفته نباید گذاشت که پولیس عدلی بعد از گرفتاری شخص توسط خودت و تثبیت هویت وی، دلایل گرفتاری را به وی ابلاغ و توضیح نماید. پولیس عدلی مکلف است حد اکثر در مدت ۲۴ ساعت در همان جرم به استنطاق و بازجویی مظنون اقدام نماید. پولیس عدلی بلا فاصله بعد از

مدافع را نداشته باشد تحت شرایط ذیل دولت برای آنان وکیل مدافع تعیین می نماید: الف: خارنوال تحقیق با محکمه مربوط، به اساس در حواست مظنون یا متهم، وکیل مدافع را از میان لیست وکلای قانونی بصورت رایگان برای شخص بی بضاعت تعیین می نماید. ب: شخصی که وکیل مدافع رایگان برای وی تعیین می گردد در صورت عدم رضایت حق دارد از قبول وکیل مدافع منخه ایه، ورزد و

جرم یک عمل شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند. (ماده ۲۶ قانون اساسی)

په توقیف کې د انساني شرايطو ...

" د ټولو هغو کسانو سره چې له آزادۍ څخه یې برخې شوي باید انساني چلند وشي او د بشري کرامت درناوی یې برخای شي. دغه نړیوال معیارونه، دولتونه مکلف گڼو چې د توقیف او بند لړ تر لړه معیارونه پلي کړي او د هر توقیف شوي چې له آزادۍ څخه یې برخه شوي، حقوق و ساتل شي.

د بشري حقوقو کمیټې څرگنده کړې ده، هغه کسان چې له آزادۍ څخه یې برخې شوي باید "پوله له هغو ستونزو او خنډونو څخه چې د آزادۍ څخه یې برخه کېدو په پایله کې ورته پېښ دي، له نورو ستونزو سره مخ نه شي. هغه کسان چې د آزادۍ څخه یې برخې شوي دی پرته د هغه مخه نیوونکو محدودیتونو څخه چې د تړلي چاپیریال پایله ده، باید له ټولو هغو حقوقو څخه برخمن شي چې د سیاسي او مدني حقوقو په نړیوال تړون کې راغلي دي." (۱۰۷)

همدارنگه د بشري حقوقو کمیټې ویلي دي چې له درناوي ډک چلند او د انساني کرامت رعایت هغه اساسی معیار دی چې باید په ټوله لړۍ کې رعایت شي دولتونه دا ادعا نشي کولای چې د مادي او مالي سرچینو نشتوالی او ستونزې نا انساني چلند توجیه کړي دولتونه مکلف دي چې ټولو بندیانو او توقیف شویو ته داسې خدمتونه چمتو کړي چې د هغوی اساسی اړتیاوي لري شي. (۱۰۸)

دا انساني اړتیاوي د څوورو، د روغتیايي او خان پرې منځلو اسانتیاوو، جامو، روغتیايي مرستو، طبیعي نور او روغتیايي ته لاسرسی، تفریح، فزیکي تمرین، د مذهبي چارو سرته رسولو له پاره دځای، له نورو سره د اړیکو او د زندان او توقیف څخه د باندې اړیکو په گډون دي.

هرڅوک چې توقیف یا بندی شي، حق لري چې د هغه په وړاندې د چلند دمه والي

په هیڅ ډول شرايطو کې، څوورونه، ظالمانه او نا انساني اود سپکاوي وړ ناوړه چلندونه توجیه کېدای نه شي، دغه حق په تیره بیا د هغو مهمو کسانو له پاره دي چې له ازاديو څخه یې برخې شوي دي دقانون دانتقاد عامورین دڅووروني او نورو ظالمانه جزائونو اود انساني اود سپکاوي وړ ناوړه چلندونو دکارولو، هغولو او اجرا کولو څخه منع دي، څوورونه په دي پلمه چې د لوړ پوړو له خوا حکم شوي، توجیه کېدای نه شي

او تبت له پاره یو منظم رسمی کتاب ولری. دا کتابونه باید په توقیف ځای او مرکزي اداره کې موجود وي. هغه معلومات چې په راجستر کې شته دي باید محاکمو او هم صلاحیت لرونکو چارواکو، دتوقیف شویو دکورنیو غړو، حقوقي وکیلانو او نورو ته چې د معلوماتو دلاسه ته راوړلو مشروع حق لري، ورکړ شي (۱۱۴) د لادوکسی اعلامیې (۲) او (۳) ماده.

ج: دپوره روغتیايي خدمتونو درلودل حق: د دولتونو په غاړه ده چې توقیف شویو ته غوره روغتیايي خدمتونه چمتو کړي.

غوښتنه وکړي او یا له چلند څخه شکایت وړاندې کړي مقامات باید ډیر ژر ځواب ورکړي، که غوښتنه او یا یې شکایت نه منل کېږي، هغه کولای شي خپل عرض او شکایت قضایي مقام او یا کوم صلاحیت لرونکی مقام ته ورسوي.

د اصونو د مجموعې ۳۳ اصل: الف: په یوه څرگند توقیف ځای کې دتوقیف دغوښتنې حق:

د دي له پاره چې دا ډان تړلاره شي چې توقیف شوي له بهرني نړۍ سره تماس لري او د "لادوکسی" او څوورونو په څیر له بشري حقوقو څخه د سرغړونو دځوندیتوب له پاره

پاتړه

ځکه چې هغوی نه شي کولای پر ډاکټر او درملو لاسري شي. دوی ته باید پرته له توپيره د حقوقي وضعې پراساس، روغتیايي خدمتونه چمتو شي.

(له بندیتو سره دچلند داساسی اصولو نيم اصل). روغتیايي مامور باید چې ټول ناروغ بندیان او توقیف شوي یا هغوی چې د لیب او ناروغی څخه شکایت لري وگوري او د روغتون د معیارونو او شرايطو سره سم یې معاینه کړي. که چېرې روغتیايي مامور فکر وکړي چې دکوم بندي فزیکي یا روحي حالت دتوقیف په اوږدېدو او د شرايطو له امله خرابېږي باید د هغې رپورټ د ادارې رئیس ته ورکړي.

دبندني نړیوال سازمان په دي عقیده دی کله چې دڅووروني او ناوړه چلند نور رامنځ ته کيږي او یا شک کېږي چې بندي یا توقیف شوي څوورول شوي اوله ناوړه چلند سره مخامخ شوي نو سمدا لاسه باید ډاکټر ته لاس رسې ومومي. دغه ټول لاس رسې باید دڅووروني دناروړه چلند په وړاندې د رسمي څېړنې برخه ونه گرځي.

دبندني نړیوال سازمان په دي عقیده دی کله چې توقیف شوي بندي د جسی نيري ادعا لري باید سمدا لاسه تر روغتیايي کتو لاندې راشي او بیا دا ده چې دښځینه ډاکټري له خوا ولیدله شي. دا د گناه گار کس دلفي له پاره نه شواهد چمتو کوي.

ادامه لري

ظاهر نگرده مجرم وجود ندارد؛ زیرا تنها با اندیشه و افکار منفی، فرد را نمی توان به محاکمه کشید. هر زمانی که ایده جرمی، جامعه عمل پوشید و عمل جرمی واقعیت پیدا کرد و یک نتیجه جرمی را به بار آورد و در بین این دو (عمل و نتیجه) رابطه سببیت برقرار شد عنصر مادی جرم تشکیل می گردد.

اما عنصر معنوی جرم عبارت از این است که مجرم قصد ارتکاب عمل جرمی را داشته باشد و از

جرم چیست و مجرم کیست؟

عبدالصمد مقصودی*

هر عملی را که قانون جرم نگوید، جرم نیست و هر عملی را که قانون جرم محسوب نماید جرم پنداشته می شود.

لازم به ذکر است که اگر حیثاً یک عمل در زمان قانون نافذ کشور جرم نباشد مگر به مرور ایام بعداً در اثر انقضای قانون جدید جرم بحساب

ارزشهای یک جامعه را تهدید کند جرم محسوب می گردد. لذا به تناسب اهمیت ارزشها برای جرایم مجازات تعیین گردیده است. فلهذا هر گونه اعمالی که توسط قوانین نافذ جرم پنداشته شده و برای آن جزا تعیین گردیده باشد "جرم" محسوب می گردد و به فاعل جرم کلمه مجرم اطلاق می

با توجه بدین حقیقت که هر فرد در برابر سایر افراد و جامعه یی که بدان تعلق دارد وظایف و مسؤولیتهایی دارد که باید آن را رعایت نماید تا نظام اجتماعی مختل نگردد. متأسفانه محیط ناسالم، فقر فرهنگی و وضعیت ناسامان امنیتی باعث می گردد بعضی افراد نظم جامعه را اخلال نموده و مرتکب اعمالی می گردد که مغایر با ارزشهای پسنندیده اخلاقی و اسلامی می باشد. در صورت بروز چنین پدیده ناهنجار اجتماعی سؤالی به میان می آید که کدام نوع عملکرد جرم و به چه کسی

هر زمانی که به وسیله یک عمل انسان نظام جامعه اخلال می

گردد عنصر مادی جرم بوجود می آید

نتیجه عملکرد خویش کاملاً آگاه باشد و بداند که این عمل دارای مجازات قانونی و عکس العمل شدید جامعه است.

قابل یادآوری است که بی خبری از احکام قانون و مقررات هیچ گاه باعث برائت انسان نمی گردد و کسی که قانون را رعایت نمی کند و مرتکب عملی شود که قانون آن را جرم پنداشته است، بدون شک مجازات تعیین شده بالای او تطبیق خواهد شد.

آید در این جا قانون جدید بر عملکرد گذشته تطبیق نمی گردد. یعنی قانون به ماقبل رجعت نمی کند بلکه بر ما بعد قابل تطبیق می باشد.

همچنان عنصر مادی جرم از دیدگاه حقوق جزا عبارت است از: هر زمانی که به وسیله یک عمل انسان، نظام جامعه اخلال گردد، عنصر مادی جرم به وجود می آید. یعنی تا زمانی که عنصر مادی جرم

جرم در لغت به معنی گناه است و در اصطلاح ارتکاب عمل ممنوع از سوی

شریعت و قوانین نافذ کشور می باشد

گردد. چنانکه ماده دوم و سوم قانون جزا این گونه می نویسد: "هیچ عمل جرم محسوب نمی گردد مگر به موجب قانون و هیچ کس مجازات نمی شود مگر به حکم قانون." بطور کل جرم متشکل از عناصر قانونی، مادی و معنوی می باشد. عناصر فوق الذکر در ساحت حقوق جزا به گونه های ذیل تعریف شده است.

مجرم گفته می شود؟ بنا بر این باید بدانیم که جرم چیست و مجرم کیست؟ جرم در لغت به معنی گناه است و در اصطلاح ارتکاب عمل ممنوع از سوی شریعت و قوانین نافذ کشور می باشد، پس جرم بودن یک عمل ارتباط مستقیم با ارزشهای همان جامعه دارد. به طور مثال رعایت حجاب اسلامی در فرانسه جرم تلقی می گردد و در کشورهای اسلامی ارزش شمرده می شود بنا بر این کلیه اعمالی که

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد. (ماده ۲۰ قانون اساسی)

Agahi Hoquqi

(Legal Awareness)

Publication of the Ministry of Justice

آگاهی حقوقی

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
مدیر مسئول: پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه
سرمدیر: در دانه فضائی
هیئت تحریر: عظیمی، مقصدوی، و طیار، نیکال، خواجه امانی و نورالله
آدرس: کابل: چهارراهی پشتونستان، وزارت عدلیه ج. ا. ا.
شماره تلفون: ۰۷۰۲۹۲۶۶۰ و ۰۲۰۲۱۰۳۷۳۵

سال اول * شماره اول * حمل ۱۳۸۶ * March ۲۰۰۷

واژه ها و اصطلاحات حقوقی

پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه استاد دانشگاه کابل

تعریف حقوق

کلمه حقوق یک اصطلاح معمول، صدداول و مأنوس بوده و همه روزه به کسرات و میراث این اصطلاح را استعمال می نماییم و بنا اینکه آن را از کسی دیگر می شنویم، ولی با وجود معمول بودن آن دامن یک تعریف واحد برای اصطلاح حقوقی برای هر فرد عادی اصری نهایت مشکل و دشوار می باشد.

علناً و دانشمندان حقوق، اصطلاح فسوق را به صورت عموم از در نگاه تعریف می نمایند، یکی از نقطه نظر فردی و دیگری از نقطه جامعه و افاقی.

اگر اصطلاح فسوق را از نقطه نظر فرد تعریف کنیم گفته می توانیم که کلمه حقوق جمع حق بوده و در موارد متعدد معانی مختلفی را افاده می نمایند، یکی از این معانی به اسم خداوند (ج) تعلق می گیرد. چنانکه گفته می شود، حق تعالی.

در بعضی اوقات کلمه حق به مفهوم درست، راست و ضد باطل استعمال می گردد. مانند این گفته که "احمد در قبول خود بر حق است" بدین معنی می باشد که احمد در گفتار خود راست می گوید.

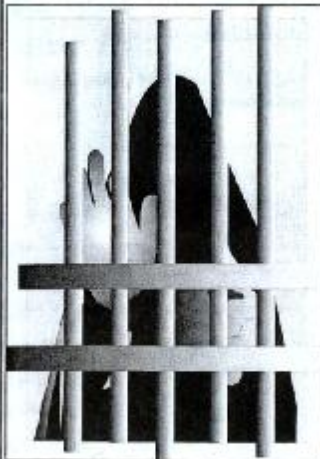
در بعضی اوقات، دیگر کلمه حق به مفهوم متروکه استعمال می گردد. چنانچه در این قول: "تمام حقوق احمد که بر بالای دیگران دارد بعد از وفاتش به ورثه او انتقال می یابد. در این جا کلمه حقوقی که جمع حق می باشد به مفهوم متروکه استعمال شده است.

به همین ترتیب کلمه حق در بعضی اوقات دیگر به مفهوم نکس، مالیه و محصول استعمال می گردد. مثلاً در کلمه حق العبور، به معنی نکس، مالیه و محصول عبور از شاهراه ها استعمال گردیده است.

هکذا در بعضی از اوقات کلمه حق مفهوم عادلانه بودن را افاده می نمایند. چنانچه گفته می شود که فیصله فلان محکمه بر حق صادر شده است یعنی به شکل عادلانه صادر شده است. ادامه دارد

حقوق زنان زندانی

در دانه فضائی *



از نظر اسلام زن و مرد هر دو دارای حقوق مساوی و کرامت ذاتی انسانی هستند، اما تفاوت های فیزیکی و عاطفی بی که میان زن و مرد وجود دارد باعث ایجاد حقوق اختصاصی زن و مردان می گردد.

زنان همان گونه که از نظر روحی و روانی با مردان متفاوتند از نظر جسمی نیز شکننده تر از مردان می باشند اگر توجه خاص به این نسل مظلوم جلبه نگردد، موجودیت آنان در جاهایی مانند محبس و توقیفخانه باعث اسب پذیری بیشتر آنان خواهد شد.

بنا بر این تدبیر ویژه بی در زندان زنان باید اتخاذ گردد که به شرح ذیل می باشد:

۱- تساوی حقوق:

زنان با مردان در کلیه حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دیگر زمینه ها برابر می باشند و از تمامی حقوق و امتیازاتی که مردان در زندان بر خور دار هستند زنان نیز از آنها بهره مند می باشند و مورد حمایت قنون و دولت قرار دارند.

۲- منع خشونت علیه زنان:

نخست از همه باید به تعریف خشونت پرداخت که در اعلامیه یکن خشونت جنس تعریف شده است: "خشونت به هر گونه آزار مبتنی بر جنسیت که منجر به ایزدای جسمی، جنسی، روانی، تهدید، محروم کردن خودسرانه می شود، چه در زندگی عمومی چه در زندگی خصوصی، اطلاق و استعمال می شود." بنا بر این زنان از هر نوع خشونت

زندانی را رعایت کنند.

۳- مراقبت و تلاشی زنان:

این موضوع از جمله حقوق زنان زندانی

و توقیف شده است که باید توسط کارمندان زن نظارت، مراقبت و بازرسی بدنی گردند و کلیه امور مربوط به زندان زن را باید زندانبانان شات به پیش ببرند و اداره آن را نیز به عهده داشته باشند. زندان زنان باید جدا از زندان مردان بوده و اگر چنین امری میسر نبود سعی گردد محل نگهداری زنان زندانی را از محل نگهداری مردان زندانی جدا کرده و حتی المقصور از سرده مردان در زندان زنان جلوگیری نمایند.

زنان با مردان در کلیه حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دیگر زمینه ها برابر می باشند و از تمامی حقوق و امتیازاتی که مردان در زندان بر خور دار هستند، زنان نیز از آنها بهره مند می باشند و مورد حمایت قنون و دولت قرار دارند.

۴- شرایط خاص:

در بعضی موارد زنان زندانی تکلیف حمل و شیر دادن و غیره موارد ویژه خویش را دارند که باید از سوی مسؤولین ذیصلاح تدابیر خاصی برای آنان سنجیده شود. همچنین سعی گردد به موقع، زن باردار زندانی به رایشگاه انتقال داده شود و زایمان در آن جا صورت بگیرد. احتمالاً اگر چنین اتفاقی در زندان رخ داد، جای تولد کودک، نوزاد که زندان است نباید در گولگی درج گردد.

در صورتی که مادر، طفل شیر خوار داشته باشد مسؤولین ذیربط زندان مکلف است امکانات و تسهیلات ویژه بی را در اختیار مادران و کودکان آنان قرار دهد.

نیود تعلیم و تربیه سالم ...

ولی با آن هم به گونه فشرده باید عرض کنم که هر جسم، علت و عوامل ویژه بی دارد. به گونه مثال امروز مرتکبین جرائم سرقت در محابس به صورت فزاینده وجود دارد و بدون شک ریشه های این جرم بیش از هر چیز در فقر، تنگمستی، ناآبروی، و بیکاری در جامعه نهفته است.

همین گونه علت بروز جرائم اخلاقی بیشتر به ضعف ارزشهای اخلاقی، دینی، ملی و جاگزینی ارزشهای فرهنگی بیگانه بر می گردد. همچنان می توان نبود تعلیم و تربیه سالم را در جامعه از علل و عوامل اساسی نشأت جرائم اخلاقی تلقی کرد.

به هر حال به صورت کل می توان فقر، بیکاری، ناآبروی اقتصادی و اجتماعی، جهل و بی سوادگی، عدم آگاهی از قانون، سوء استفاده از قدرت، اثرات منفی به جا آمده از دوران جنگ در رفتار اجتماعی را علت های عمده بسیاری از جرائمی دانست که در جامعه، به وقوع می پیوندد.

سوال: آیا مسؤولین و مسؤولین ذیصلاح محبس، قوانین نافذ کشور را به خصوصی قانون محابس و توقیف خانه ها را در مورد محبوسین اسم از زنان و مردان رعایت می نمایند؟

جواب: بلی، مسؤولین محابس کشور خاصاً محبس مرکزی مکلف به تطبیق و رعایت قوانین

کشور به ویژه قانون محابس و توقیف خانه ها می باشند این قانون یک قانون بسیار خوب است، اما متأسفانه زمینه های عملی آن به توجه به مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد کمتر مساعد می باشد. با آن هم مسؤولین محابس تلاش می ورزند در حد توان خویش از آن پیروی و آن را در عمل پیاده نمایند.

سوال: آیا موازین حقوق بشر در محبس مرکزی رعایت می گردد یا خیر؟

جواب: این مسأله هم بر می گردد به شرایط مناسب نگهداری محبوسین در محابس افغانستان. با امکانات کمی که در اختیار داریم همواره سعی می نماییم موازین حقوق بشر را رعایت کنیم و این کار موجب رضایت نهاد های حقوق بشر و سازمانهای بین المللی نیز شده است.

سوال: در قسمت اصلاح و تربیت مجدد محکومین و مجرمین چه تدابیری اتخاذ نموده اید لطفاً توضیح دهید؟

جواب: واقعاً هدف اصلی محابس کشور مطابق قنون محابس و توقیف خانه ها، نگهداری مطمئن و قانونمند، اصلاح و تربیت آنهاست. متأسفانه ما شرایط کامل رسیدن به این هدف را در محابس کشور از جمله محبس مرکزی نداریم. با آن هم در محدوده امکانات، یک تعداد محبوسین را به کارهای خیاطی، حلی سازی، گلدوزی، فلز کاری، نجاری، قالی بافی، مهره دوری و غیره مصروف به کار نموده ایم که نتایج خوبی را در برداشته است. همچنین تعدادی از محبوسین مصروف تعلیم و تربیه دینی، حرفوی، اخلاقی و سواد آموزی و غیره اند که به کمک مؤسسات و امکانات داخل محبس این امر به پیش برده می شود و یک باب کتابخانه در بلاک اول به این مقصد در اختیار محبوسین گذاشته شده است. ولی این ها همه برای تجدید تربیت محبوسین کافی نیست. ما امیدوار هستیم که مسؤولین و مؤسسات داخلی و خارجی امکانات و شرایط بهتر را برای ما مهیا سازند.